

فرا تر از بودن

(*La Plus Que Vive*)

اثر:

کریستین بوین

مترجم:

سید حبیب گوهری راد



انتشارات رادمهر

فراتر از بودن

La Plus Que Vive

مؤلف: کریستین بوبن

مترجم: سید حبیب گوهری راد

نوبت چاپ: اول

سال انتشار: ۱۳۸۳

تیراژ: ۵۰۰۰

حروف نگاری: الهام روح افزا

ویراستار: نازنین نظری فردوس

ناشر همکار: توسن دانش

لیتوگرافی: توس

چاپ: گیتا

صحافی: بعثت

شابک: ۷-۱۸-۸۶۷۳-۹۶۴

بوبن، کریستین، ۱۹۵۱ - Bobin, Christian

فراتر از بودن / مؤلف کریستین بوبن؛ مترجم حبیب گوهری راد. -

تهران، رادمهر، ۱۳۸۳

۸۰ ص. ISBN 964-8673-18-7

عنوان اصلی: La Plus Que Vive, c 1996

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای فرانسه - قرن ۲۰ م. الف. گوهری راد، حبیب، ۱۳۵۵

- مترجم ب. عنوان: فراتر از بودن. ج. عنوان: فراتر از بودن و موتسارت و باران

۸۴۳/۹۱۴ PO ۲۶۶۲/و ۲۴۴

کتابخانه ملی ایران ۷۷۹۵-۸۳ م

مقدمه مترجم:

به نام ایزد پاک

ماگر ز دری پای کشیدیم، کشیدیم

امید ز هر کس که بریدیم، بریدیم

دل نیست کیوتر که چو برخاست نشیند

از گوشه بامی که پریدیم، پریدیم

در بخشی از این کتاب آمده است:

"...ولی قول بده برای دل خودت بنویسی، زیرا در غیر این صورت تو

فقط یک کار ادبی کرده‌ای، در حالی که باید نوشت... و نوشتن با کار

ادبی خیلی فرق دارد..."

و این کتاب ترجمه‌ای از نوشته بی نظیر کریستین بوبن (Christian)

(Bobin به نام *La Plus Que Vive*) است که اکنون در پیش روی شماست.

نمی‌دانم و نمی‌خواهم بدانم از خواندن این اثر چه احساسی به شما دست می‌دهد، زیرا من هم این کتاب را فقط برای دل خودم ترجمه و منتشر کرده‌ام و برخلاف بسیاری دیگر از کارهایم، بنا به سفارش یا اهداف حرفه‌ای نبوده است؛ چرا که این نوشته برایم یادآور روزهای قشنگی است که دیگر هرگز برایم تکرار نخواهند شد؛ یادآور روزهای قشنگی که با "او" بودم؛ با او که به گفته قسمتی از این کتاب، با ارزشترین چیز یک عشق را به من هدیه داد؛ فقدان!!!...

البته دیگر از نبودنش دلگیر نیستم و به آن عادت کرده‌ام؛ حتی وقتی خوب به این فقدان فکر می‌کنم، می‌بینم که چیزهای زیادی هم از آن یاد گرفته‌ام؛

آری من یاد گرفته‌ام که هیچ فرقی نمی‌کند جقدر خوب و وفادار باشم، زیرا همیشه کسانی هستند که لیاقتش را ندارند...

من یاد گرفته‌ام کسانی را که دوستشان دارم، خیلی زود از دست می‌دهم و کسانی را که بود و نبودشان برایم اهمیتی ندارد، همیشه در کنارم خواهم داشت...

من یاد گرفته‌ام که باید همیشه، آنهایی که دوستشان دارم را با کلامی عاشقانه و نگاهی ملتمسانه ترک کنم، چون ممکن است دیگر هیچگاه نینمشان...

و یاد گرفته‌ام که هر چقدر هم که عشق میان دو نفر داغ و آتشین باشد، باز هم روزی از بین خواهد رفت، و برای جبران آن باید آن قدر بول داشت که...

و یاد گرفته‌ام که به قول مارکیس دو ساد :

L'amour

fait passer le temps

et le temps....fait passer l'amour!!

همچنین بر خود لازم می‌دانم از زحمات سرکار خانم نازنین نظری فردوس، که با صبر و حوصله‌ای ستودنی زحمت ویرایش این متن را پذیرا شدند، تشکر و قدردانی نمایم که به راستی بی‌زحمات ایشان، ورق پاره‌های من هرگز به این صورتی که پیش روی شماست در نمی‌آمد:

و کلام آخر.....

این که اگر این کتاب برای شما هم یاد آور "او" باشد، و یا اگر حتی با به

خاطر آوردن خاطره‌ای از روزهای از دست رفته‌تان لبخندی - هر چند
تلخ - را بر لب‌تان بنشانند! می‌دانم که زحماتم در ترجمه و انتشار این اثر
به هدر نرفته است...

صد بار شدم عاشق و مردم صد بار
تابوت خودم به کور بردم صد بار
من غره از این که صد نفر گول زدم
دل غافل از آن که گول خوردم صد بار

سید حبیب گوهری راد

مترجم برگزیده سال ۱۳۸۱

مدیر مسئول مجموعه انتشاراتی رادمهر

habib_goharirad@yahoo.com